

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۱۲ مارچ ۲۰۱۷

نگاه «حزب کمونیست کارگری ایران» به اوضاع کارگری

سطح و میزان اعتراضات کارگری، بسیار بالاست و در عوض، آمار و ارقام ارائه داده شده از جانب دم و دستگاه‌های تبلیغی نظام جمهوری اسلامی هم، بسیار و بسیار، کمتر از رخدادهای جنبش‌های اعتراضی است. کارگران بنابه صدها دلیل روشن، در میدان اعتراض‌اند و کارخانه‌داران، کارفرمایان و دیگر حامیان سرمایه را به نبرد فرا می‌خوانند. از مبارزه برای افزایش دست‌مزد و امکانات ایمنی و بهداشتی گرفته، تا تلاش برای دستیابی به حقوق سیاسی و معوقه‌شان.

در اصل، سال‌های مدیدی است که چنین اوضاع، و فضائی بر جامعه کارگری حاکم شده است و نظام هم، تاکنون، هزاران اعتراض کارگری را سرکوب، هزاران نفر را از کار بیکار و پول هزاران تن دیگر را بالا کشیده است. در بستر چنین اوضاع ناهنجار و تأسفباری، جنبش کارگری، مسیر خود را می‌پیماید و لحظه‌ای، از طرح و بیان مطالبات اولیه‌اش پس نکشیده است. صدای کارگر، همواره رسا و به تعبیر دقیق‌تر، کاستی کار، نه در تجمعات «بی‌صدا و یا کم تأثیر» کارگران، بلکه در بی‌صدائی، در ناتوانی و در ضعف مزمن و طولانی، و مهم‌تر از همه این‌ها در فقدان حمایت عملی به اصطلاح مدافعان جنبش کارگری است. در حقیقت میدین اعتراضات کارگری زنده است و در عوض «سازمان» و یا «حزب» مدعی وی، کم‌سو و بی‌صداست. به یقین یکی از این «سازمان‌ها» و «احزاب»، «حزب کمونیست کارگری ایران» می‌باشد. «حزب»ی که نه تنها کمترین نقش و وظیفه‌ای در سمت و سو دادن جنبش‌های اعتراضی ندارد بلکه با طرح شعارهای غیر عملی و با «فرامین» خسران‌زا، و به دنباله، بدون مسؤلیت‌پذیری کمونیستی، در فکر گوشت دم توپ قرار دادن بیش از این کارگران، قوم و خویشان، زنان و فرزندان آنان و آن‌هم در مقابل ارادل و اوباشان و دیگر نهادهای سرکوبگر وابسته به نظام می‌باشد.

در اطلاعیه «حکاکا»، تحت عنوان «[کارگران می‌توانند جلو تعطیل کارخانجات را بگیرند](#)» آمده است: «باید به تجربه دریافته باشیم که **تجمع بدون صدا و بدون انعکاس کم تأثیر است**..... اولین قدم این است که کلیه اعضای خانواده‌هایتان را تشویق کنید به شما ملحق شوند. اعتراضتان را به مرکز شهر بکشانید و راهپیمائی کنید. شعارهای مناسب انتخاب کنید و مردم را به همبستگی با خود دعوت کنید. تلاش کنید اعتراض شما هرچه بیشتر در رسانه‌هایی مانند **کانال جدید** و در **مدیای اجتماعی** منعکس شود. قدم دیگر این است که با مراکز دیگری که در شهرتان با مشکل مشابهی دست و پنجه نرم می‌کنند تماس بگیرید و اعتراضات مشترک با حضور خانواده‌های خود را در مراکز شهر سازمان بدهید. هر جا که

می‌توانید در مراکز شهرها چادر بزنید و تحصن کنید..... شیوه‌های تازه مبارزه را در پیش بگیرید. حزب کمونیست کارگری با تمام قواء همراه شما است.» - تاکیدات از من -

جامعه و جنبش کارگری غرق در اعتراض، تنش و درگیری با حاکمان و دار و دسته‌های شان است و به اصطلاح مدافعان و حامیان مردم و طبقه کارگر، در فکر صدور و فرامینی همچون، «در مراکز شهرها چادر بزنید» و یا علیه استنمارگران و سرکوبگران «به پا خیزید» می‌باشند!! جامعه کارگری و علی‌رغم سرکوب و بگیر و ببندهای ممتد سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، و خلاف باب و میل اپوزیسیون خارج از کشوری، راه خود را در پیش می‌گیرد و نظام را به مبارزه می‌طلبد. نظام در این چندین دهه و آن‌هم به بهانه‌های واهی، دهان و زبان بُرید و به زندان انداخت، تا کارگر را از خواسته‌هایش باز دارد. با این اوصاف دعوت کارگران به شیوه‌های اعتراضی خسران‌ساز، و مهم‌تر از همه آن‌ها، با پا پس کشیدن "حزب" و یا "سازمان" خودی، از رو در رویی عملی با ارگان‌های هار نظام، چیزی جز، اتخاذ سیاست‌های غیر کمونیستی پیرامون رخدادهای اعتراضی کارگران نیست. جامعه کارگری، بیش از توانش در میدان حاضر شده و شلاق خورده است. زنده بودن و یا در حقیقت صدای رسای اعتراضی کارگران را می‌توان در میداین متفاوت تولیدی و همچنین در مقابل ادارات دولتی نظام، همچون شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها و مجلس نظام دید و شنید. به یقین، تجمع اخیر کارگران در مقابل شهرداری تهران، از زمره تک نمونه‌ها پیرامون بازستانی خواسته‌های بدیهی کارگران در مقابل استنمارگران، چپاول کارفرمایان و کارخانه‌داران نبوده و نیست. جمهوری اسلامی به یاری دم و دستگاه‌های وابسته به خود دارد، شیرۀ جان کارگران را می‌مکند. به بهانه اخلاقی در نظم تولید، اخراج‌شان می‌کند، حقوق چند ماهه و سالانه‌اش را نمی‌دهد و در بدترین شرایط ایمنی، او را وادار به کار طاقت‌فرسا می‌کند، تا چرخه استثمار و تولید از روال طبیعی خود باز نماند. چنین مصاف‌ها و کش و قوس‌ها، از آغاز بر سر کار گماردن سردمداران رژیم جمهوری اسلامی قابل رؤیت است و وحشت و دلواپسی نظام هم، از بروز عکس‌العمل‌های بجا و بحق کارگران می‌باشد.

پیداست که طبقه کارگر ایران، به دلیل استثمار بی‌حد و حصر سرمایه‌داران، درس‌های اولیه و لازمه صنفی - سیاسی را آموخته است و در مقابل - و متأسفانه - پیداست که، مدعیان سیاسی طبقه کارگر، ناتوان از فراگیری آموزش‌های اولیه کمونیستی‌اند و بی دلیل هم نیست که، کارگران به پاخیزید، نهادهای کارگری مستقل، شورا، سندیکا و یا مجامع عمومی خود را تشکیل دهید، به سیاست‌ها و به شعارهای روتین آنان تبدیل گشته است. مدت‌هاست که «سازمان‌ها» و «احزاب پرولتری» خارج از کشوری، به جای تلاش و وصل به پایگاه‌های اجتماعی و به جای انجام وظایف کمونیستی، در آرزوی عروج سازمان و حزب عمل در داخل‌اند. دهه‌هاست که در انتظار وقت و موقعیت «مناسب»، برای انجام وظایف "کمونیستی"‌شان می‌باشند!! ده‌ها نشریه، ماهنامه و خبرنگار کارگری را به اوضاع کارگران و معیشت بد اقتصادی - سیاسی کارگران اختصاص داده‌اند و به خیال خویش بر این باوراند که با جمع‌آوری، و یا با پخش اخبار اعتراضی - مبارزاتی کارگری بر گرفته از ارگان‌های تبلیغی نظام، می‌توان، این جنبش بدون رهبری را به سر منزل مقصود رساند. به طور قطع، جنبش کارگری، بدون هدایت و بدون رهبری سالم کمونیستی، قادر به کسب مطالبات اولیه اش نخواهد بود، همچنین و بدون کمترین شک و تردیدی، جامعه کارگری و به مانند دیگر جنبش‌های اعتراضی، نیاز به حامیان عملی و آن‌هم در میداین تولیدی و در درون جامعه دارد. بسیج و گردآوری توده‌ها و به دنباله یکی نمودن اعتراضات پراکنده، بر عهده نمایندگان سیاسی طبقه کارگر است، توهمی در آن نیست که، جنبش‌های اعتراضی پراکنده کارگران، بدون اتحاد و یکپارچگی، قادر به احقاق حقوق پایمال شده‌شان نمی‌باشند. طبقه کارگر از اتحاد به دور است

به این دلیل که، جامعه فاقد سازمانی با برنامه پرولتاریست؛ رژیم جمهوری اسلامی سیاست سرکوب را همچنان پی می‌گیرد، به این دلیل که توازن قوای جامعه، به نفع جنبش‌های اعتراضی و به ویژه جنبش طبقه کارگر نیست.

با این اوصاف دعوت کارگران به مبارزه وسیع‌تر - و آن هم به همراه قوم و خویشان، زنان و فرزندان‌شان - در مقابل اردال و اوباشان، و ارگان‌های سرکوبگر نظام، چیزی جز گوشت دم توپ قرار دادن آنان نیست. آشکار است که این دست نگاه‌ها به جنبش و اوضاع کارگری، چیزی جز، کج فهمی از انجام وظایف خودی در مقابل رژیم هار و خشن نیست. چرا که وظیفه کوتاه و دراز مدت کمونیست‌ها، نه صرفاً در حمایت نظری، در همراهی و یا پخش اخبار مبارزات اعتراضی کارگران، بلکه در سازمان‌دادن آنان و مهم‌تر از همه این‌ها، در به مصاف کشیدن ارگان‌های سرکوبگر نظام است. در حقیقت جنبش کارگری نیاز به چنین پیشقراولان حقیقی و سیاسی دارد. به یقین، عیار سازمان حزب کمونیستی با چنین افکار و وظایفی رقم خواهد خورد و معین است که علل نافرجامی جنبش‌های اعتراضی کارگران، و همچنین بردوام ماندن نظام جمهوری اسلامی و آن هم به مدت چهار دهه، در فقدان سازمان و حزب رزمنده کمونیستی، و در فقدان مسئولیت‌پذیری «سازمان‌ها» و «احزاب» خارج از کشوری همچون «حککا» است.

خلاصه بنام صحیح است، تا مردم و طبقه کارگر را با شعارهای بدون پشتوانه‌های عملی، به میدان نبرد نابرابر فرستاد. آرمان کمونیستی و به دنباله تجارب بر جای مانده جنبش‌های اعتراضی ثمربخش، به مدافعان حقیقی منافع کارگران آموخته است که، رشد هر جنبش اعتراضی، و همچنین به ثمر نشستن آن‌ها، در گرو دخالت‌گری‌های عملی نمایندگان سیاسی طبقه کارگر و دیگر توده‌های ستمدیده است. به عبارت روشن‌تر، سردمداران نظام بر سر کار مانده‌اند، به این دلیل که، نیروی مخالف جدی و عملی، در صحن جامعه حضور ندارد. طبقه کارگر به خواسته‌های اولیه خود دست نیافته است، به این دلیل که، فاقد سازمانی با برنامه و بسیج کننده است. جنبش طبقه کارگر و دیگر جنبش‌های اعتراضی، در موضع تدافعی قرار گرفته‌اند، به این دلیل که، جامعه فاقد سازمانی تعرضیست و بی‌تردید، پاسخ حقیقی به چنین وضعیت خسران‌سازی، منوط به عروج و منوط به پا در میانی کمونیست‌های رزمنده است؛ کمونیست‌هایی که، پیشاپیش اعتراضات کارگری قرار گرفته و آنان را حول شعارها و برنامه‌های پرولتاری سازمان و هدایت نمایند. تنها و تنها در چنین شرایطیست که طبقه کارگر به حقوق دیرینه سیاسی - اقتصادی خود دست خواهد یافت.

۱۱ مارچ ۲۰۱۷

۲۱ اسفند [حوت] ۱۳۹۵